

نظری بر کتاب‌های پالتویی

«دربار به روایت دربار»

از انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

ایران دوران پهلوی از منظر درباریان

■ شاهد توحیدی



بازخوانی فضا و مناسبات حاکم بر دربار پهلوی‌ها از جمله رهیافت‌های مهم به کارنامه این سلسله است. اطلاعات مهم در این فقره، در دوران سلطه رضاخان و فرزندش، عمدتاً مکتوم بود و پارهای از آنها پس از پیروزی انقلاب اسلامی علنی شد. این مجموعه اطلاعات نشان می‌دهد شاه و اطرافیانش در چه بستری به اداره جامعه می‌پرداختند. مجموعه کتاب‌های قطع پالتویی «دربار به روایت دربار» مجموعه‌ای از این اطلاعات است که در ذیل عناوین موضوع جمعیت شده و از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی نشر یافته است. ناشر در دیباچه‌ای بر این مجموعه، درباره محتوای انقلاب اسلامی پیش از این سه جلد از دوره دربار به روایت دربار را با نام‌های فساد سیاسی به روایت دربار، فساد اقتصادی به روایت دربار و فساد اخلاقی دربار منتشر کرده است و اینک چهارمین جلد با هدف بررسی جامعه‌ای که چنان درباری بر آن حکومت می‌کرد در دستان شماس‌ت. نگاهی به جامعه ایران در ۵۳ سال حکومت پهلوی به لحاظ ابعاد و شاخصه‌های درونی از سطح معیشت و خدمات عمومی و رفاهی گرفته تا وضعیت آموزش و ادارات و وضعیت فرهنگی و...البته از زبان و بیان رجال درباری موضوع این اثر است. در پایان ضمن تشکر از مؤلف محترم از زحمات آقای سیدمجد امامی مدیر گروه هنر و ادبیات، آقای نکیخت مدیر بخش تدوین، آقای دکتر طبیعی معاون پژوهشی و همکاران پر تلاش در مؤسسه فرهنگی - هنری و انتشارات قدردانی می‌کنیم.»

ریحانه درودی تدوینگر مجموعه «دربار به روایت



اشرف پهلوی در کنار فرزندان محمدرضا پهلوی

دربار» نیز در مقدمه خویش بر این اثر، ضرورت‌های پرداخت و انتشار این دست آثار را به ترتیب ذیل تشریح کرده است: «از جمله مشهورات رایج در تاریخ معاصر ایران توصیفاتی است که از اوضاع جامعه ایرانی به‌ویژه اوضاع اقتصادی و اجتماعی شده است که گاه مکتوب و گاهی به صورت شفاهی و سینه به سینه نقل شده و در ذهن برخی به صورت بدیهیات تاریخی در آمده است بر اساس این توصیف‌ها ایران در ۵۳ سال سلطنت پهلوی از سلک جامعه‌ای سنتی و عقب‌مانده خارج شد و به کسوت جامعه‌ای مدرن و مرفه در آمد و سال‌های حکومت سلسله پهلوی از جمله سال‌های طلایی جامعه ایران، به‌ویژه در حوزه رفاه اقتصادی به شمار می‌آید اثبات صحت و سقم این ادعا چندان دشوار نیست و به‌ویژه برای نسل سوم انقلاب این امکان را دارد که در پی کشف حقیقت وایستگان و درباریان حکومت پهلوی در باره جامعه ایران در عصر حاکمیت پهلوی اول و دوم راهگشاست. این اثر گام کوچکی در جهت ترغیب کردن خواننده به کشف حقایق مستور و پشت پرده تاریخ معاصر برداشته و نقطه آغازی است برای تحقیق و پژوهش جوانانی که می‌ایندد در باره هویت و تاریخ گذشته خود بدانند.»

اثر دربار به روایت دربار، با به چالش کشیدن انگاره «شرایط مطلوب اقتصادی در دوره پهلوی‌ها» آغاز می‌شود. در بخشی از این آغازین فصل چنین می‌خوانیم: «مناسب بودن وضع معیشت و رفاه اقتصادی جامعه ایران در عصر پهلوی توصیفی است که از سوی خاندان پهلوی و طرفداران آن رژیم در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب بسیار تکرار شده و در ذهن برخی به صورت واقعیت تاریخی در آمده است. این بخش با مرور خاطرات برخی درباریان و رجال سیاسی حکومت پهلوی به بررسی اوضاع اقتصادی ایران از ابتدای حکومت رضاشاه تا خاتمه سلطنت محمدرضا اختصاص یافته است.»

کلام آخر اینکه در بلیشوی تبلیغات افسار گسیخته برخی رسانه‌های غربی- عبری در راستن دوران

پهلوی‌ها تولید چنین آثار بی‌معنم است و برای

جوانان نسل سوم و چهارم انقلاب اسلامی، بسا مفید

و عبرت‌اندوز به نظر می‌رسد.

■ احمد رضا صدری

رضاخان با پیستن دهان منتقدان و شکستن قلم‌های ایشان لاجرم باید خلأ آنان در جامعه را پر می‌ساخت. «سازمان پرورش افکار» که در پی ناکامی پروژه «فر هنگستان» پدید آمد، چنین هدفی را می‌جست. با این همه این نهاد نیز نتوانست اهداف قزاق را تأمین کند و نهایتاً رو به زوال رفت. مقالی که پیش‌روی شماس‌ت، کوشیده است تا ناکامی سازمان در انعقاد جلسات سخنرانی در شهرها را با باز خوانی کند، امید آنکه از تاریخ پزوهان و عموم علاقه‌مندان را مقبید و مقبول آید.

■ ■ ■

در دوره‌ای که میزان بی‌سوadan و کم‌سوadan کشور فوق‌العاده بالا بود و اکثریت جمعیت جامعه از این طیف بودند و در نتیجه کتاب و مطبوعات نمی‌توانستند نفوذ و گسترش زیادی داشته باشند از سوی دیگر رسانه‌های جمعی از جمله رادیو هم وجود نداشتند یا چندان فراگیر نبودند که بتوانند تأثیر مهمی روی افکار عمومی بگذارند، کم‌هزینه‌ترین راه برای تبلیغات و پیشبرد اهداف، برگزاری مجالس سخنرانی آموزشی و تبلیغی بود. از همین رو رئیس سازمان پرورش افکار برگزاری این مجالس را روح پرورش افکار می‌نامید و بر آنها تأکید زیادی داشت.

■ سازمان پرورش افکار و تلاش برای انعقاد مجالس سخنرانی

گرد آوردن عده‌ای از مردم در یک سالن و سخنرانی برای آنها آن هم در موضوعات عمومی که مردم همه‌روژه با آنها سر و کار دارند تا موضوعات مهم علمی و بدون محدودیت در انتخاب و ارائه موضوع و با توجه به حمایت همه‌جانبه سازمان پرورش افکار و الزام سازمان‌ها، نهادها و وزارتخانه‌ها برای کمک به برگزاری مستمر این جلسات، ظاهراً کار دشواری به نظر نمی‌رسد، اما تجربه سازمان پرورش افکار نشان می‌دهد اینطور نیست. برای اینکه یک سخنرانی روی مخاطبان تأثیر بگذارد باید واجد چند ویژگی باشد. مهم‌تر از همه اینکه سخنران از سواد و اطلاعات کافی از موضوعی که در باره فن بیان بداند تا بتواند مفاهیم مورد نظر خود را با شیوه‌ای همه‌فهم و جذاب به مخاطبان منتقل کند. سالن و امکانات و فضای برگزاری مراسم هم اهمیت ویژه‌ای دارد. از همه مهم‌تر اینکه باید سخنران و مخاطبان تجربه‌های مشترک‌ی داشته باشند تا امکان تفهیم و تفاهم فراهم شود.

■ کم‌روفتی جلسات سخنرانی سازمان پرورش افکار

سازمان پرورش افکار با توجه به شرایط اجتماعی و امکانات هر منطقه موضوع سخنرانی و محتوای آن را تعیین می‌کرد. این کار توسط هیئت مرکزی سازمان انجام و به ادارات فرهنگ یا شعبه‌های سازمان در شهرستان‌ها ابلاغ می‌شد. از آنجا که در بسیاری از شهرها سخنران زبده و کار بلد وجود نداشت، هیئت مرکزی سازمان پرورش افکار سخنرانان را به مناطق مختلف اعزام می‌کرد و فرمانداران و بخشداران موظف بودند مجالس سخنرانی مناسب را برگزار کنند. در مورد این اعزام‌ها و سفرها اسناد زیادی در دست نیست، ولی همان اسناد اندک نشان می‌دهند بیشترین سفرها به اصفهان و آذربایجان و فعال‌ترین افراد

در این زمینه سعید نفیسی استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و اورنگ نماینده مجلس شورای ملی بوده‌اند. این دو نه تنها در مراکز استان‌ها، بلکه در شهرهای استان‌های اصفهان و آذربایجان هم سخنرانی می‌کردند. از آنجا که رونق این جلسات و در واقع جلب مخاطب از نظر سازمان پرورش افکار بسیار مهم بود و در عین حال مردم استقبال و چندان‌ی از این جلسات نمی‌کردند، برای افراد مختلف، به‌ویژه کارمندان ادارات دولتی کارت دعوت فرستاده می‌شد تا در این جلسات حضور پیدا کنند، مخصوصاً حضور رؤسای ادارات برای با اهمیت جلوه دادن این جلسات بسیار مهم بود. با این همه مأموران دولتی و حتی رؤسای ادارات هم این جلسات را جدی نمی‌گرفتند و به همین دلیل فرمانداران مرتباً از سوی مرکز زیر فشار قرار می‌گرفتند که در این زمینه اقدامات جدی را به عمل آورند.

■ ترفندهایی برای پرکردن سالن‌های سخنرانی!

عدم حضور کارمندان دولت از نظر مسئولان سازمان پرورش افکار به معنی عدم حضور جمعیت متناسب با شان چنین مجالسی بود و نتیجه مورد نظر از آنها گرفته نمی‌شد. حتی گاهی سخنرانی‌ها به دلیل عدم حضور کارکنان دولت تعطیل می‌شدند و اعلام اسامی آنها به فرمانداری‌ها و التماس و خواهش برای حضورشان در جلسات فایده نداشت. به همین دلیل مثل بسیاری از تجربه‌های حکومت رضاخانی حکومت در این



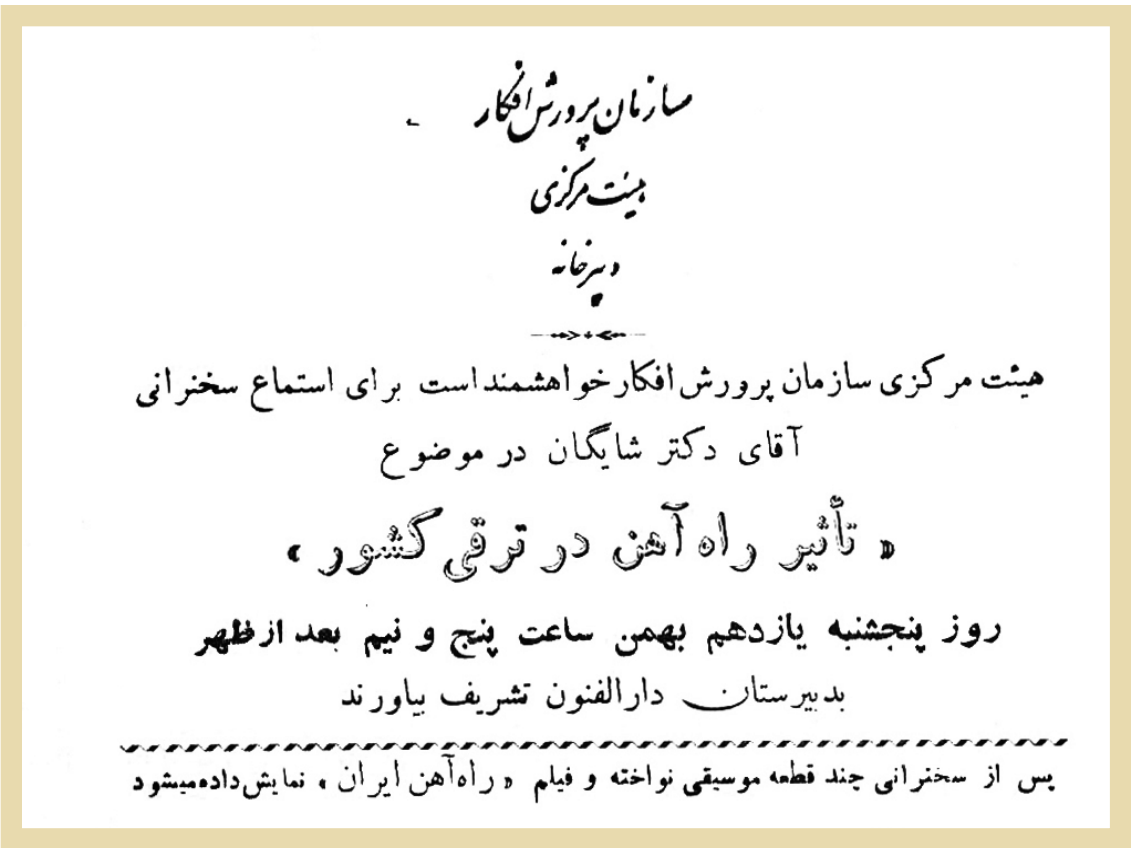
احمد متین نظری رئیس سازمان پرورش افکار

د

یکی از دلایل عدم استقبال مردم از جلسات سخنرانی سازمان پرورش افکار، مخالفت علنی آنان با اجرای قوانینی چون کشف حجاب و اجبار زنان برای شرکت در مجالس سخنرانی بود. حتی زنانی هم که به اجبار در این جلسات شرکت می‌کردند روسری‌های ضخیم و بزرگ به سر می‌کردند و صورت خود را می‌پوشاندند

سارویخ

گفت‌وگو ۸۸۹۸۴۲۷



تلاش بی‌فرجام سازمان پرورش افکار رضاخان برای جمعیت مردم در جلسات سخنرانی

محافلی که کارمندان ونظامیان نیز

آن را جدی نمی‌گرفتند

زمینه هم به فشار و تهدید متوسل شد، اما به عنوان نمونه بر اساس گزارش فرماندار اصفهان به تهران «با اینکه بیش از دو سال است که در شهرداری شهرستان بابخش به رؤسا تذکر داده می‌شود، با این همه تأکید مرکز به آقایان، رؤسای شهرستان و رؤسای شعب در سخنرانی‌ها حاضر نمی‌شوند» یکی از راه‌هایی که برای پر کردن سالن‌های سخنرانی پیدا می‌شود، رفتن سراغ بخش خصوصی و دعوت از افرادی غیر از رؤسا و کارکنان ادارات و دوایر دولتی است، اما این حرکت هم وقت کافی می‌تواند تغییری به وجود بیاورد و پس از دو سال از تلاش برای جلب افراد برای شرکت در این جلسات سرانجام علی سهیلی وزیر کشور هم لب به گالایه می‌گشاید و تأکید می‌کند باید به هر نحو ممکن برای جلسات سخنرانی مخاطب کافی فراهم آورد. پیشنهاد او این است که دعوت برای مجالس سخنرانی را نباید به کارمندان دولت محدود کرد که نمایندگان آنها باعث تعطیلی جلسات شود، بلکه باید از طبقات مختلف اجتماعی دعوت به عمل آورد. البته باید در انتخاب سخنران خوب تدارک موسیقی و نمایش خوب و سایر تدارکات و ترتیبات برگزاری جلسه هم وقت کافی می‌بودند. شود تا حضور در جلسه نه تنها خسته‌کننده نباشد، بلکه مفرح باشد و باعث رفع خستگی حضار شود. رؤسای ادارات مختلف هم برای عدم حضور در این جلسات دائماً مورد بازخواست قرار می‌گرفتند، ولی این کار هم عملاً فایده‌ای نداشت. عدم شرکت مجالس سخنرانی باعث شد تا وزیر کشور به‌شدت نسبت به عملکرد مسئولان اعتراض و بازرسی‌ها در خواست کند سخنرانی‌ها در حد سطح فهم عوام ایراد شوند که دست کم آنها به این جلسات بیایند. یکی دیگر از راه‌ای جذب مخاطب به این جلسات سخنرانی‌ها استفاده از نمایش‌های کوچک و بزرگ و موسیقی و تفریحات مفید بود.

■ **هدف و مضمون «فوق علمی» جلسات سازمان پرورش افکار!** یکی از مهم‌ترین دلایل پرگزاری جلسات سخنرانی تبلیغ در باره عملکرد رضاشاه در حوزه‌های مختلف بود. از جمله اهداف مهم مدنظر رضاشاه جانانداختن قضیه کشف حجاب بود. در این راستا از کارمندان دولت و رؤسای ادارات مختلف خواسته شد همراه همسرانشان در این مجالس حضور پیدا کنند تا به قضیه کشف حجاب و نهضت بانوان کمک مؤثری شود. عدم حضور همسران رؤسای ادارات و کارمندان به مقامات بالاتر گزارش داده می‌شد و بعضی متخلفان مجازات می‌شدند. نکته جالب این است که رؤسای ادارات دائماً مجرد بودن کارمندان خود را به مقامات فوق گزارش می‌دادند تا مورد مواخاتات مافوق به رؤسای ادارات دعوتی می‌دادند

برای مدعوبین فرستاده می‌شد، دائماً بر لزوم حضور آنان به اتفاق همسرانشان تأکید می‌شد. تشکیل نشدن جلسات سخنرانی یا تعداد کم آنها در بعضی از حوزه‌ها در فرهنگ مستوئلان سازمان پرورش افکار را نسبت به مئثر بُر بودن اقداماتشان دچار تردید و نگرانی کرد. در نامه‌هایی که دفتر نخست‌وزیری به وزارت کشور می‌نوشت این نگرانی کاملاً مشهود بود و نشان می‌داد در بعضی از استان‌ها و شهرها از جمله قم، محلات، زنجان، کرمان، سنندج، گیلان، خوزستان، آذربایجان غربی، مکران و... تعداد جلسات سخنرانی بسیار

کمتر از سایر شهرها و استان‌هاست. لذا به رؤسای فرهنگ آن نواحی هشدار داده شد در از دیاد مجالس پرورش افکار سعی بیشتری کنند و نتیجه را گزارش دهند.

■ **در تابستان به کارمندان مرخصی نمی‌دهیم تا به جلسات بیایند!**

تعطیلات تابستان و به مرخصی رفتن کارمندان دولتی، به‌ویژه معلم‌ها و مدیران مدارس، وزارت کشور را بیش از پیش در مورد عدم حضور مخاطبان کافی برای انجام سخنرانی‌ها نگران می‌سازد و به رؤسای ادارات فرهنگ شهرستان‌ها هشدار می‌دهد طوری نشود که این مرخصی‌ها باعث به تعطیلی کشاندن جلسات سخنرانی سازمان پرورش افکار شوند، نخست‌وزیر صراحتاً از وزیر فرهنگ می‌خواهد از دادن مرخصی به رؤسا و مدیران تا تحد امکان خودداری کند تا در پیشرفت کار سخنرانی‌های سازمان پرورش افکار خللی به وجود نیاید. اسماعیل مرأت، وزیر فرهنگ وقت این نگرانی‌ها را وارد نمی‌داند و در پاسخ به نخست‌وزیر به او اطمینان خاطر می‌دهد که قرار نیست به هیچ‌یک از نمایندگان فرهنگ مرخصی داده شود و مرخصی نمایندگان فرهنگ تابع مقررات عمومی و مانند مرخصی نمایندگان سایر وزارتخانه‌هاست. او تأکید می‌کند گزارش‌های شهرستان‌ها نشان می‌دهند مجالس سخنرانی دائماً دایر هستند و بعد هم اشاره می‌کند تعطیلات تابستان مربوط به دانش‌آموزان است و ربطی به کارکنان وزارت فرهنگ ندارد.

■ **مضلفی در قامت کمبود سالن‌های سخنرانی**

کمبود سالن‌های مناسب برای برگزاری مجالس سخنرانی در شهرستان‌ها اولین مشکل مهم سازمان پرورش افکار در شهرستان‌ها بود. یکی از بخشداران اصفهان به فرماندار اصفهان گزارش می‌دهد این بخش سالن سخنرانی ندارد و حتی دبستان بخش هم غسالخانه است و اتاقی ندارند که بتوانند از آن برای سخنرانی استفاده کنند و آموزگار سخنران هم ندارند. اما طبق دستور نخست‌وزیر کمبود مکان‌های برگزاری مجالس نباید مانع از انجام سخنرانی می‌شد. به همین دلیل باید از هر مکانی که امکان داشت بتوان در آن جلسه سخنرانی برگزار کرد استفاده شود. در تهران بر خلاف فرماندار اصفهان به تهران سالن مناسب وجود نداشت، اما به علت کوچک بودن بعضی از سالن‌ها فضای کافی برای حضور افراد دعوت شده وجود نداشت و همین امر موجب داغخوری و رنجش کناسی می‌شد که دعوت نمی‌شدند، از جمله یکی از سردفترهای دفتر خانه‌های رسمی تهران در نامه‌ای خطاب به نخست‌وزیر گالایه کرد که همیشه کارت دعوت تابستانی‌ها در ریافت می‌کرد، ولی آن مدتی است دیگر برایش کارت دعوت نمی‌فرستند. او از نخست‌وزیر می‌خواهد دستور دهد مجدداً برای او کارت دعوت ارسال شود. نخست‌وزیر این نامه را سازمان پرورش افکار از جاع می‌دهد و فرهودی رئیس دبیرخانه این سازمان در پاسخ به این درخواست می‌نویسد سالن دارالفنون که فعلاً جلسات سخنرانی‌ها در آنجا تشکیل می‌شود، حتی برای رؤسای ادارات، نمایندگان دولتی و استادان هم ظرفیت کافی ندارد، چه رسد به اینکه بتوان برای آقایان سردفتر و طبقات دیگر کارت دعوت فرستاد، ولی با شروع برنامه‌های تابستانه در باغ فردوس قطعاً برای آقای ملابری کارت دعوت ارسال خواهد شد.

■ **برگزاری جلسات در فضای باز در مناطق گرمسیری!**

در مناطق گرمسیری غیر از تابستان‌ها در بسیاری از ایام دیگر سال هم می‌شد جلسات سخنرانی را در فضای باز برگزار کرد، اما در مناطق سردسیر و کوهستانی چنین کاری امکان نداشت و ضرورتاً نیاز به سالن یا امکانات گرمایشی کافی بود، اما نکته مهم این بود که برگزاری جلسات سخنرانی در تابستان‌ها که مدارس تعطیل بودند نتیجه مطلوبی را به همراه نداشت. یکی دیگر از مشکلات برگزاری مجالس سخنرانی در شهرستان‌ها فقدان یا کمبود سخنران مناسب بود. این مشکل در تهران به‌راحتی قابل حل بود، اما در مناطقی از کشور حتی تعداد افراد باسواد هم از انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد و لذا یافتن سخنران مناسب غالباً غیرممکن بود. پیدا کردن سخنران مناسب حتی در شهرهای بزرگی چون اصفهان هم دشوار بود. به همین دلیل فرماندار اصفهان ناچار شد برای پیدا کردن سخنران مناسب از ادارات مختلف کمک بخواهد، اما آنها هم در اداره خود کسی را که شایستگی‌های لازم برای این کار داشته باشد سراغ نداشتند. کمبود سخنران به معنی تعطیلی مجالس سخنرانی، یعنی مهم‌ترین ابزار تبلیغاتی و آموزشی سازمان پرورش افکار بود. اهمیت موضوع برای سازمان به قدری بالا بود که مقامات مافوق به رؤسای ادارات دستور می‌دادند

در صورت عدم دسترسی به سخنران مناسب خودشان این کار را انجام دهند و به هیچ‌وجه نگذارند این جلسات تعطیل شوند. به این ترتیب گاهی بخشداران یا فرمانداران در نقش سخنران هم ظاهر می‌شدند. هنگامی که برای حل مشکل سخنران چاره‌ای پیدا نمی‌شد، مسئولان دست به سامان پایتخت می‌شدند تا برای آنها سخنران بفرستند.

■ **هزینه‌های برگزاری جلسات سخنرانی**

به مضامینی تعلق داشتند که جنبه‌های اجتماعی آنها قوی‌تر بودند.

نمایش یا موسیقی اجرا نمی‌شد نداشتند و اجرای نمایش و موسیقی هم مستلزم صرف هزینه‌هایی بود که در بودجه سازمان پرورش افکار رقمی برای آنها در نظر گرفته نشده بود و به اعتقاد هیئت مرکزی سازمان بودجه برای صرف در اینگونه هزینه‌ها باید در خود محل تأمین می‌شد. وزارت کشور معتقد بود برپایی مجالس سخنرانی به‌ویژه در تابستان‌ها هزینه چندانی جز تهیه یخ و تأمین روشنایی ندارد، در حالی که در عمل هزینه‌ها بسیار فراتر از این چیزها بودند و برآوردهای وزارت کشور در تأمین بودجه برای این مراسم تناسبی با واقعیت‌های ملموس در مناطق مختلف نداشت و در نتیجه چاره‌ای برای رفع بسیاری از مشکلات پیش‌بینی نشده بود. سازمان پرورش افکار از یک طرف جز هزینه روشنایی و گرمایشی و هزینه‌های دم دستی بودجه‌ای را در نظر نمی‌گرفت و از سوی دیگر از نمایندگان خود در شهرستان‌ها می‌خواست برای جلب مخاطب از نمایش و موسیقی استفاده کنند و برای هزینه‌های کلان جانبی هم خودشان در محل دست به اقدام بزنند.

فرماندار اصفهان برای تأمین بودجه طی نامه‌ای به سازمان پرورش افکار اطلاع می‌دهد می‌خواهد مبلغی را به قیمت بلیت‌های سینما اضافه کند و به آنها پیشنهاد می‌دهد در سایر نقاط کشور هم برای تأمین هزینه‌ها از این راهکار استفاده کنند. به این ترتیب با پیشنهاد وزارت فرهنگ و موافقت وزارت کشور هیئت وزیران در تاریخ ۲۳ آبان سال ۱۳۱۸ دو درصد از در آمد سینماهای شهرستان‌ها را از طریق شهرداری‌های هر محل به حساب سازمان پرورش افکار واریز می‌کرد تا بتواند دست‌کم بخشی از مشکلات برگزاری جلسات سخنرانی را برطرف کند، اما این بودجه هم فقط صرف تأمین هزینه نمایش‌ها می‌شد و سایر مشکلات مالی همچنان پـا بر جا بود. در جلسه ۹ دی سال ۱۳۱۸ هیئت مرکزی سازمان پرورش افکار در حضور نخست‌وزیر تشکیل و مقرر شد هزینه برگزاری جلسات سخنرانی در عهده شهرداری‌های هر محل باشد. (چون یکی از وظایف شهرداری‌ها تئویر افکار عمومی و اشاعه فرهنگ بود).

به‌رغم تعهدات متعددی که برای رفع مشکلات مالی سازمان پرورش افکار، به‌ویژه در شهرستان‌ها صورت گرفته، مشکل مالی همچنان باقی بود و به تدریج همه ابعاد سازمان را تحت‌داغخوری و رنجش کناسی می‌شد که شدیدی در صورت مخارج و هزینه‌های جلسات سخنرانی می‌شد و مسئولان باید دائماً در این زمینه گزارش می‌دادند و گاهی هم مجبور بودند در مورد صرف هزینه‌ها ضمن ارائه ریز مخارج توضیحات قانع‌کننده‌ای هم بدهند.

■ **اختلاس پول‌هایی که برای برگزاری سخنرانی در نظر گرفته شده بود!**

شعبه سازمان پرورش افکار در اصفهان برای جریان کسری بودجه خود در برگزاری مجالس سخنرانی در جلسه ۳۰ فروردین سال ۱۳۲۰ تصمیم گرفت از مدیران کارخانه‌های اصفهان کمک مالی بگیرد، اما این کار با مخالفت جدی علی سهیلی وزیر کشور مواجه شد. سرنوشت این پول‌ها هم جالب است، چون هرگز به مصرف سازمان پرورش افکار نرسیدند. با حمله متفقین به ایران و فروپاشیدن شیرازه حکومت رضاخان و فرو ریختن پایه‌های بسیاری از نهادهای حکومتی از جمله سازمان پرورش افکار تکلیف این پول‌ها هم معلوم نبود تااواخر مهر سال ۱۳۲۰ که پرداخت‌کنندگان کمک‌های مالی به سازمان پرورش افکار از فرماندار اصفهان می‌خواهند که این پول‌ها صرف ساخت بیمارستان کارخانه‌های اصفهان شود، با قبول درخواست این افراد تجربه مشنار ادارات و مجلس مردم در کمک به یک سازمان فراگیر دولتی مثل بسیاری از تجربه‌های دوره رضاخانی ناآگاه‌انکار از کار در می‌آید.

■ **کلام آخر**

جلسات سخنرانی سازمان پرورش افکار با وجود همه ترفندها کم‌رونق بود و استقبال از برنامه‌ها توسط عموم مردم خیال‌خامی بیش نبود. در تهران و شهرهای بزرگ برای جذب مردم از موسیقی و نمایش تا حد امکان استفاده می‌شد، ولی مناطق دورافتاده حتی امکانات اولیه مثل سالن را هم نداشتند، چه رسد به موسیقی و تئاتر. یکی دیگر از دلایل عدم استقبال مردم مخالفت علنی آنان با اجرای قوانینی چون کشف حجاب و اجبار زنان برای شرکت در مجالس سخنرانی بود. حتی زنانی هم که به اجبار در این جلسات شرکت می‌کردند روسری‌های ضخیم و بزرگ به سر می‌کردند و صورت خود را می‌پوشاندند. محتوا و موضوعات سخنرانی‌ها هم موضوع مهمی بود. سخنرانی‌هایی که در تهران و بسا امکانات نسبتاً مناسبی بر گزار می‌شدند، از نظر محتوا هم سخنرانی‌ها و سخنرانی‌ها با تفاوت‌های بارزی داشتند. زرا سخنرانان در تهران بیشتر از اساتید دانشگاه و مسئولان عالیرتبه دولتی بودند، در حالی که در شهرستان‌ها بیشتر دبیران و معلمان مدارس، مسئولان ادارات و بخشداران سخنرانی می‌کردند. در مناطق دورافتاده هم کافی بود کسی اندک سواد داشته باشد و فقط بتواند حرف بزند. برای سر و سامان دادن به محتوای سخنرانی‌ها سازمان پرورش افکار موضوعات را ابلاغ و متن سخنرانی‌ها را درخواست می‌کرد. بیشتر موضوعات سخنرانی به مضامینی تعلق داشتند که جنبه‌های اجتماعی آنها قوی‌تر بودند.